



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۱۰۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۰۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه بله پنجمین ۱ اسفند ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۰ رمضان ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبوعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراک داخله ایران سالیانه ده تومان خارج ۰ دوازده تومان قیمه تک شماره بک قران</p>

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس لیلہ پنجشنبه اول اسفند ماه ۱۳۰۸ * (۲۰ رمضان ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تقدیم لایحه راجع بحقوق گمرکی مروارید
- ۳) سؤال آقای آقا سید یعقوب راجع بتفتیش قالی در گمرک
- ۴) شور اول لایحه تمدید قانون طبابت
- ۵) بیانات آقای فیروز آبادی نسبت بختم جلسه و جواب آقای رئیس
- ۶) بقیه شور ثانی لایحه تأمین مدعی به از ماده ۱۸
- ۷) شور و تصویب لایحه تعیین اعضاء پرسنلی بلدیہ ما
- ۸) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

جلسه ۹ ساعت بعد از ظهر (مقارن سه ساعت و ربع از شب گذشته) بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس لیلہ یکشنبه ۲۷ بهمن ماه را آقای اورنگ (منشی) قرائت نمودند

- رئیس - آقای فیروز آبادی
- فیروز آبادی - قبل از دستور
- رئیس - آقای زوار
- زوار - قبل از دستور
- رئیس - آقای آقا سید یعقوب
- آقا سید یعقوب - در دستور یک عرضی دارم.
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
- (نمایندگان - خیر)
- رئیس - صورت مجلس تصویب شد.
- تقدیم لایحه راجع بحقوق گمرکی مروارید [
- رئیس - آقای معاون فرمایشی داشتید ؟
- معاون وزارت مالیه (آقای سیاح) - لایحه ایست
- راجع به حقوق گمرک مروارید تقدیم میشود .
- رئیس - آقای فیروز آبادی میخواهند قبل از دستور
- صحبت کنند تجویز میکند مجلس صحبت بشود ؟
- جمعی از نمایندگان - دستور .
- فیروز آبادی - بنده مخالفم .
- رئیس - بفرمائید .
- فیروز آبادی - بنده عرضی ندارم که اسباب زحمت
- کسی باشد عرایض بنده روی اصلاحات مملکتی و اشخاص
- است چون عقیده بنده این است که هر روزی از انسان

عین مذاکرات مشروح صدویکمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

بگذرد و استفاده از وجودش نشود و استفاده او بدیگران نرسد آروز او ضایع شده است. بنده به این ملاحظه عقیده ام این است حالا خطا میروم نمیدانم ولی باید يك چیز هائی که عقیده دارم اظهار بکنم اینجا شاید مورد استفاده بشود و استدعا دارم اجازه بدهند بنده عرایض خود را بکنم و امیدوارم قسمی هم بشود که عرایض بنده مورد دلنگی کسی واقع نشود.

رئیس -- موافقین با ورود دستور قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۳- سؤال آقای آقا سید یعقوب راجع بتفتیش

قالی در گمرک]

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب در دستور نظری دارید؟ آقا سید یعقوب -- چون توجه مقام مجلس و مقامات دیگر متوجه اقتصادیات است و بالا ترین توجه باقتصادیات توجه به صادرات است و بالا ترین صادرات ما قالی است از فراری که اطلاعات به بنده رسیده است در مسئله تفتیش قالی در گمرک فوق العاده اشکال تراشی میکنند این است که يك سؤال کرده ام که بمقام ریاست تقدیم میکنم که بوزارت مالیه و وزارت تجارت داده شود که جواب عرایضی که بنده دارم در این موضوع داده شود دشتی -- این که در دستور نبود.

آقا سید یعقوب -- سؤال بود آقا و جزء دستور است و الله معصیت نکردم گناه نیست سؤال کردم.

[۴ - شور اول لایحه تمدید قانون طبابت]

رئیس -- خبر کمیسیون معارف راجع به تمدید قانون طبابت مطرح است:

خبر کمیسیون معارف

کمیسیون معارف لایحه دولت مورخه ۱۵ بهمن ۱۳۰۸ را راجع به تمدید قانون ۲۸ شهریور ۱۳۰۶ تحت شور قرار داد و با اصلاحاتی ماده واحده ذیل را

تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی مینماید: ماده واحده - مجلس شورای ملی قانون طبابت مصوب ۲۸ شهریور ۱۳۰۶ را از تاریخ انقضاء برای مدت دو سال تمدید مینماید و وزارت معارف مکلف است نظامنامه اجرای آنرا تنظیم و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارد.

رئیس - آقای روحی مخالفید؟

روحی - بل. عرض کنم این لایحه که آمده است به مجلس با يك تغییراتی و بالاخره وزارت معارف ناچار است که يك ترتیبی برای يك عده طبیعی که سالها با از روی علم یا بی علم در این مملکت نان میخورند معین کندولی بنده تعجب میکنم که چرا هر روز يك لایحه می آورند بی مطالعه و بی فکر که مجبور بشوند در يك مدت کمی آنرا لغو کنند و يك عده را ناراضی نگاه بدارند و یا بی جهت کار باز بدارند این اشخاص يك دسته طبیعی هستند که سالها در این مملکت طبابت میکرده اند ولی در عصری که این طبابت میکرده اند يك وقتی بوده است که دوا های ایرانی گل گاوزبان، گل بنفشه، سنبل الطیب و این جور چیز استعمال میکرده اند و یا با يك روغنهایی از این قبیل مدافع میکرده اند حالا میخواهند این عده با کمال بی علمی در ادویه امروزی هم دخالت کرده و معالجه کنند عرض کنم که این کار يك قدری اشکال دارد که بنده بنده خودم اجازه نمیدهم طبیعی که در این طب جدید در خواننده است و عالم نیست در این گونه معالجات مداخله کند و در يك ادویه که کیفیت تأثیر آنها و مورد استعمال نمی داند دخالت کند. عرض کنم که وزارت معارف از یکطرف میخواهد این کارها را اصلاح بکند و از يك طرف مدعی عالی طب را اصلاح نمیکنند این مدرسه طب که این دارند عملیاتی درش میکنند يك نواقصی دارد که گفت از این که هر چه خرج بشود بیفایده است يك مندرج طبیب غیر متخصص و ذی فن هر ساله بیرون میدهد. مدعی عالی طب یا فاکولته طی وزارت معارف ایران سال

نشریح ندارد و من نمیدانم بچه وسیله ما میتوانیم يك نفر طبیب صحیح بیرون بدهیم در صورتیکه این دکتر نشریح را علماً و عملاً نداند که چه چیز است و از مدرسه هم که بیرون می آید طبابت هم می کنند این مدرسه طب يك لابراتوار حسابی آنطوری که يك مدرسه طب باید داشته باشد ندارد معینا هر سال هم بگذسته شاگرد بیرون میدهد که آهاهم از همین طهران تکان نمیخورند این خیابانهای طهران است که هر ده قدم به ده قدم اطباء رنگ و وارنگ در تابلوی هر کدای هم متخصص در تمام قسمتهای طب ذکر شده است و اما مورد احتیاج وقتی بهشان مراجعه میشود هیچکدامشان سودمند نیستند بنده عقیده دارم که وزارت معارف باید يك ترتیب کلی هم راجع به این اطباء بدهد هم راجع به اطبای ناقصی که از مدرسه طب خارج میشوند بنده تصور میکنم که طهران دیگر طبیب کافیش است از این به بعد واقعا هر چه که از این اطباء خارج میشوند اینها را بولایات بفرستد در تمام گلیابگان، کمره، خوانسار، ملایر، تویسرکان، نهاوند و این قسمت ها فقط يك نفر طبیب هست و خیلی جاها هست که اصلاً طبیب ندارد (صحیح است) وزارت معارف باید این اطباء را ملزم کند که بروند در خارج و این تابلوها را بردارند (آقا سید یعقوب - راجع بصحیه است) که مردمان خارج هم بتوانند از وجود اینها استفاده کنند اینها بمحض اینکه از این مدرسه طب بیرون میآیند تابلوشان را سر کوچه میزنند در يك جائی در همین طهران و ابداً بولایات نمیروند در صورتیکه اهالی ولایات به همین اطباء غیر مجاز هم راضی هستند که باز هر چه باشد از این امراض نجات پیدا کنند و اما راجع به طبیب غیر مجاز بنده عقیده دارم که با این قانون اصلاً وزارت معارف نمیخواهد يك اختیاری بگیرد که این طبیب هم رفتی مجاز شدند بروند در قراء و قصبات طبابت کنند خیر فقط باز میروند در سنکلیج و یا پالمیدان طبیب میشوند باید اینها فقط حق داشته باشند که بروند و در این اطراف در جاهائی که طبیب نیست

طبابت کنند و در حدود طب ایرانی در حدود طب قدیم ایران نه آن طوری که بدون معلومات فوراً برود دست بچاقو بکنند و جراحی کند یا واقعا يك ادویه را که نمیدانند مورد استعمالش چه است استعمال کنند این کار را باید وزارت معارف بکند و این قانون هم دیگر لازم نیست این اشخاص از این راه نان خورده اند و طریق معاش دیگر هم ندارند بنده عقیده دارم که موافقت فرمایند که این اطباء در قراء و قصبات و در جاهائی که طبیب نیست فقط حق طبابت داشته باشند اما اینکه بخواهند در يك چیزی که نمیدانند دخالت بکنند بصراف اینکه يك جنگ پیدا کرده است و از روی آن نسخه در آورده است و از روی این اصول من درآوردی اگر بخواهند طبابت کنند این يك چیزی است که باحیث مردم بازی میکنند و تأسف میخورم که آقای وزیر معارف تشریف ندارند و يك نفر از طرف وزارت معارف بدت که جواب بنده را بدهد که کمی میتواند وزارت معارف این نواقص مدرسه طب را رفع کند و کمی میتواند يك سالن تشریح داشته باشد و کمی میتواند يك لابراتوار طبی عالی داشته باشد و کمی میتواند از عهد، برآید که لااقل سالی بیست تا طبیب با معلومات بمملکت با این مخارج گزافی که می کند بدهد ولی البته آقایان هستند و جواب بنده را میدهند و هر کدام از آقایان که در این موضوع اطلاعی دارند به بنده جواب بدهند ممنون خواهم شد. دکتر طاهری (مخبر کمیسیون معارف) - نماینده محترم در این موضوع مخالفتی نفرمودند راجع به تنظیم این قانون فقط منظورشان این بود که بدون امتحان بیایند طبابت کنند و مطلق در طب قدیم اولاً آنچه که اینجا بکار کرد که در دوره ششم متممی برای قانون طبابت بیآورند همان چیز هم اینجا بکار کرد که این کار را دو مرتبه تمدید بکنند همان موضوعی است که خودتان فرمودید که در قراء و قصبات و ولایات دور دست و جاهای کوچک طبیب وجود ندارد مدرسه طب اگر چه نواقص نسبت

پسابق مرتفع شده است سالی بیست و چهار نفر طبیب بیشتر بیرون نمیدهد از اینها يك عده به اروپا میروند برای تکمیل تحصیلاتشان و يك عده هم حالا بولایات فرستاده میشوند اما کفایت نمکنند اگر چنانچه در تمام ولایات و قراء و قصبات ممکن بود که طبیب های حاذق دیپلمه و دکتر های درجه اول فرستاده شود بهتر بود ولی البته سالها طول دارند آنرا که این موفقیت حاصل شود و البته تا آنطور نشده است نمیشود که قراء و قصبات و شهرها را از این نوع اطباء هم محروم کرد (صحیح است) بایستی بتدریج طبیب خوب تربیت کرد طبیب های دیپلمه کامل باید تربیت کرد و اشخاصی که فعلاً معاون طبیب هستند بیرون در قراء و قصبات و شهرهای دور دست که اطباء دیپلمه نیستند بیرون آن جاها طبابت کنند. اما اینکه فرمودند که خوب است فقط و مطلقاً به این اشخاص اجازه داده شود که بر طبق طب قدیم طبابت کنند قانونی که فعلاً گذشته است خیلی سخت تر است و اینها بایستی کاملاً امتحان بدهند و امسال در طهران امتحانی که از این اطباء کردند مثل امتحانی بود که از دکتر های دیپلمه میگردند و ماده این قانون را برای حضرتعالی میخوانم تا متذکر باشید این قانونی است که گذشته است در بیست و هشتم شهریور: «اطبائی که تا کنون موفق باخذ اجازه نامه رسمی نشده اند چنانچه مدلل دارند مدت ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اند میتوانند در مجلس امتحانی که در وزارت معارف و مراکز عمده ایالات و ولایات (با عضویت اطباء دیپلمه و اطباء مجاز در طب قدیم) تشکیل خواهد شد امتحان دهند در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت بانها داده خواهد شد و فقط در حدودی که بانها اجازه داده شده حق طبابت خواهند داشت» معنی این ماده این است که اینها را امتحان میکنند و هیئت متحنه هم مرکب است از اطبای قدیم و جدید و هر کدام آنها که معلومات قدیم داشتند به آنها اجازه ممالجه در طب

قدیم داده میشود و اگر معلومات جدید دارند اجازه طبابت در طب جدید میدهند یعنی اگر در مریضخانه کار کرده اند و معلومات جدید دارند یا پیش دکتر های مهم تحصیل کرده اند و معلومات کلاسیک دارند آنها را در حدود تحصیلاتشان اجازه میدهند و اگر چنانچه نتوانستند امتحان بدهند مردود میشوند و ممنوع میشوند در این دو سال چهار جلسه امتحان تشکیل شد در مرکز و در مراکز ایالات و ولایات يك عده امتحان دادند يك عده شان قبول شدند و يك عده شان هم قبول نشدند. نظر باین که مملکت هنوز محتاج است وزارت معارف خودش هم تصدیق کرد این موضوع را که امتحانات اولیه سخت بوده است و باید این اشخاص را اجازه بدهد که دو مرتبه بتوانند حاضر برای امتحان بشوند و این مثل کلاس قضائی میدانند که آقای وزیر عدلیه دائر کرده است چون عدلیه قاضی میخواهد و فعلاً نمیشود گفت که باین زودی تمام قضات از مدرسه حقوق بیرون بیایند زیرا که مدرسه حقوق منتهی سالی بیست تا شاگرد میدهد از آن طرف هم نمیشود که محاکم را تعطیل بکنند آنوقت کلاس قضائی را تشکیل دادند که در يك روزی بتوانند امتحان بدهند و تصدیق این قضائی بشوند از نقطه نظر احتیاج و اجبار باین جهت قوانین فعلاً محتاج هستیم و این طور قوانین باید وضع شود تا متدرجاً مدارس تکمیل شود و عده اطباء دیپلمه بقدر کافی بشود. این است که عرض میکنم نظریه آقای روحی نمابنده محترم در این قانون قدیم بند اگر منظور شده است و این قانون هم همان قانون است که دو سال دیگر بمفاد آن قانون نمیدید داده است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم.

رئیس - در ورقه در ستون مخالف اسم خودتان را نوشته اید.

آقا سید یعقوب - خیر بنده موافقم. چنانچه درستون مخالف نوشته ام اشتباه کرده ام

رئیس - آقای ملک زاده

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

یاسائی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

رئیس - اجازه داده شده است قبلاً.

دکتر ملک زاده - عرض کنم اگر چه احتیاج کامل بوجود طبیب در مملکت موافقت با این پیشنهادی که وزارت معارف کرده است انجام میکند و از همین نقطه نظر هم بود که در کمیسیون معارف تقریباً بطور اتفاق موافقت با این لایحه شد و چون نماینده دولت حضور نداشت آنجا اظهار عقیده نشد و خواستم عقیده مجلس را در این موضوع بگویم و عقیده دولت را دانسته باشیم. بعقیده بنده این لایحه ناقص است و بطوریکه تنظیم شده است نمیتواند کاملاً آن مقصودی را که وزارت معارف و بالاخره عموم اشخاص که علاقمند توسعه صحیه و اصلاحات صحیه هستند تأمین بکنند. در دوره دوم مجلس اگر آقایان بحفاظشان رجوع بفرمایند بده در نظر دارم که يك قانونی راجع باطباء گذشت که مخصوصاً تا پنجسال قبل از آن قانون شروع بطبابت در اند حق طبابت دارند و از آن بعد این درب بکلیه اشخاص بسته میشود و فقط کسانی که از مدرسه طب برای تصدیق باشند میتوانند در مملکت ایران طبابت بکنند از برای این که بعنوان طبیب مجازی بعد از طبابتی که در مملکت بوده اند تصدیق داده شود يك کمیسیونی در وزارت معارف تشکیل شد و بنده هم افتخار عضویت آنرا شرفم و آقای دکتر امیر اعلم هم تشریف داشتند و سابقه معلومات و تحصیلات اطباء باندازه رسیدگی شد و تصدیق بآن داده شد ولی نظر باینکه این رویه نتوانست کاملاً مملکت را از وجود طبیب بی نیاز کند حدود این مملکت را از وجود طبیب و محفوظ نماید زیرا عموماً و همه مردم در زندگی خود تجربه کرده ام که قوانینی که

عطف بما سبق میشود عموماً تولید يك اشکالاتی میکند (روحی - صحیح است) و اگر در آن موقع آن پنجسال را نگذارده بودند و اگر گفته شده بود که از اول دنیا تا بحال اشخاصیکه مطابق يك اصل و تربیتی طبابت کرده اند حق طبابت دارند از این تاریخ بعد کسانیکه میخواهند در مملکت طبابت کنند باید مدرسه طب را دیده باشند بعقیده من اگر اینطور بود بسیاری از اشکالاتی که در این موضوع پیش آمده است پیش نیامد و موضوع دوم که بیشتر سبب شد که حدود اینقانون مصون و محفوظ بماند این بود که وقتی این درب را ما بستیم و محکمه هزارها حاج حکیم باشی ها را که در آنجا اشخاصی میرفتند نسخه نویسی میکردند و پس از چندی مجاز میشدند و می آمدند و طبیب میشدند آنها را بستند البته باید برای مردم درزی دیگر باز کنیم و سعی کنیم که تحصیلات طبي و مدرسه طب را باندوجه که رفع احتیاجات مملکت را بکنند برسانیم و توسعه بدهیم متأسفانه این کار را نکردیم و میتوانم عرض کنم که مؤسسه مدرسه طب ما هم از نقطه نظر کمیت یعنی عده محصل و هم از نقطه نظر کیفیت یعنی قدرت و توانائی معلومات محصلین تقریباً در حدود بیست سال قبل است و آقایانی که اطلاع از مدرسه طب دارند گمان میکنم که این حقیقت را تصدیق بکنند و بعلاوه مدرسه فعلی همانطوری که نماینده محترم متذکر شدند پیش از بیست و بیست و دو نفر شاگرد در سال بیرون نمیدهد یعنی طبیب بیرون نمیدهد و نصف آنها داو طلب میشوند و بفرنگ میروند و بعضی های دیگر بسمت معامی داخل خدمت وزارت معارف میشوند و در آخر سال که حساب کنیم که در يك مملکت باین بزرگی و وسیعی پیش از سه تا چهار تا طبیب نداریم این است که بعقیده بنده اول قدمی که برای توسعه و اصلاحات صحی مملکت باید برداشته شود این است که باید طبیب تحصیل کرده عالم برای مملکت تهیه بشود و این نمیشود مگر بتوسعه دادن مدرسه طب در تمام ممالک کوچک دنیا می بینید که دارای فاکولته های طبي و دارای چندین

فاکولته و مدرسه طب هستند که دارای لابراتوار های فیزیک و شیمی و بالاخره تمام شعب طب عملا و علماً در آنجاها تدریس میشود و متأسفانه ما یک مدرسه کوچک ناقص داریم و آنهم همینطور متوقف مانده است و سعی هم نمیکنیم در صورتیکه این موضوع طبیب و طبابت یک مسئله اساسی است و الا معلوم است اشخاصی که صدا دارند و فریادشان بگوش اشخاص میرسد یا این که ثروت دارند و در شهر های بزرگ و مراکز ایالات و ولایات هستند آنها میتوانند از اطبای خوب و اطبای اروپائی استفاده کنند ولی اشخاصیکه صدا ندارند و مال ندارند از یو طبیبی در این مملکت میبرند و کسی هم در فکر آنها نیست (صحیح است) از همین نقطه نظر است که بنده راجع باین ماده قانون که وزارت معارف پیشنهاد کرده است یک نظری دارم که بعرض آقایان محترم میرسانم و اگر موافقت بفرمایند گمان میکنم که بفتح جامعه تمام شود همانطور که عرض کردم امروز چون محتاج به طبیب هستیم و با توسعه امروز مدرسه طب هم برای چهارسال یا پنجسال دیگر زودتر نمیتواند بما طبیب بدهد بحکم طبیعت موافقت با این پیشنهاد الزام میشود ولی چه صورتی و چه رویه را اتخاذ کنیم که مملکت بهتر بتواند از وجود این آقایان استفاده کند آقایان همه مسبوق هستند که امروز دنیا از برای طبیب شدن از برای یک شخص ذکی یک شخص با هوش و کار کن بیست سال وقت لازم دارد و جای تردید نیست و تمام اطبای تحصیل کرده که در این مملکت داریم بیست سال تحصیل کرده اند بنده عقیده ام این است که در اینجا دو شرط بگذاریم یکی اینکه چون وزارت معارف تقاضا کرده است که دو سال این قانون امتداد داده شود یک مدرسه موقتی همانطور که برای قسمت قضاوت تهیه شده است برای مدت نه ماه یعنی سال تحصیلی معین بکنند که نصف روز را این آقایان در آن مدرسه تحصیل علمی بکنند و نصف روز را هم در مرخصیهای که در طهران هست حضور پیدا بکنند و مشغول تحصیلات عملی بشوند

یک کارهای خیلی ساده و سهل را بواسطه ندانستن اغلب میشود که جان اشخاص را در مخاطره می اندازند انژکسیون کردن تلقیح کردن یک کار خیلی ساده است خورد بنده چند روز قبل مواجه بیک مریض بیچاره شده که در نتیجه یک انژکسیون بدی که شده بود این مریض مسموم شده بود

یکی از نمایندگان - شاید خود آقا زدید (خنده نمایندگان)

دکتر ملک زاده - و بالاخره فوت کرد و اگر اطباء قانع میشدند همینطوریکه آقای روحی فرمودند بیست و ادویه قدیم یا لا اقل با استعمال یک ادویه که مفید بود آنها در طب امروزه و در محیط ایران مسلم شدت عیبی نداشت مخصوصاً اطبائی که در ولایات و در فراه دور دست هستند مقیدند یک ادویه که بگوش احدی نرسیده است و در توی روز نامه ها است و فوراً وارد ترکیبات آن هم حتی بواسطه مقامات علمی در ذنب تصدیق نشده است و در داخله مملکت هم تجربه نداریم انژکسیون را در ادویه استعمال بکنند و حقیقه این یک صورت فوق العاده خطر ناکی برای جامعه پیدا کرده است و ممکن است که چهار هزار اشخاص بواسطه خبث و خطاهائی که در استعمال این گونه ادویه میشود تلف بشود. مثل اینکه خود بنده در کرمان دیدم که بواسطه استعمال انژکسیون نفوس الوارسن در چندین مورد که مریض مبتلا به ورم غده چشم بود (که در نتیجه سیفلیس عارض شده بود) که شد (آقا سید یعقوب - ای داد بی داد) و اتفاقاً در قسمتهای دیگر مرض سیفلیس این دوا نافع میشود و در این قسمت فوق العاده مضر است اسامی شن هم بنا بر این عقیده بنده این است که در این قانون در تبصره قید شود یکی اینکه یک مدرسه موقتی تهیه شود که این عده آقایان نصف روز را بروند آنجا و مشغول یاد گرفتن معلومات طبی بشوند و نصف دیگر روز در مرخصیها برای یاد گرفتنی های کوچک حاضرند

تا اینکه بتوانند یک اندازه هم از معلومات مقدماتی طب جدید بهره مند شوند. راهی که بنظر من میرسد همان طوریکه آقایان متذکر شدند ما غرض از این قانون و اجازه دادن بیک عده که والله من نمی فهمم یک اشخاصی که معلومات درسی نخوانده اند چطور میتوانند امتحان طب بدهند این یک موضوعی است که در موقع خودش باید مذاکره کرد ولی از برای اینکه مملکت بهتر بتواند از وجود اینها استفاده نماید بیاید حدود و منطقه طبابت اینها را در شهر های کوچک و قراء و قصبات که طبیب ندارند قرار بدهیم والا در طهران و شهر های بزرگ بقدر کفایت طبیب داریم و مخصوصاً اطبای اروپائی که ماشاء الله ملاحظه میفرمایند که نمیدانم مطابق چه اصول و قواعد می آیند در شهرها مشغول طبابت میشوند بنا بر این اگر آقایان موافقت بفرمایند این دو تبصره قید شود که منطقه طبابت آقایان که بعد از این طبیب مجاز میشوند در شهر های کوچک و قراء و قصبات باشد این نظری است که بنده دارم.

دکتر طاهری (شبر کمیسیون معارف) - این لایحه دوشوری است و آقای دکتر ملک زاده هم که این نظریات را فرمودند خودشان رئیس کمیسیون معارف هستند . . . بعضی از نمایندگان - بلند تر

افسر - بفرمائید آنچه ما نمی شنویم. دکتر طاهری - (بشت تریبون) این لایحه دوشوری است و این شور اول لایحه است آقای دکتر ملک زاده هم که این نظریات را فرمودند خردشان رئیس کمیسیون معارف هستند حالا هم وقتی مذاکرات کافی شد آقایان دیگر هم پیشنهاد ایشان را میدهند در شور ثانی کمیسیون نظریه آقایان را هم رعایت میکند بعد خبرش را میدهد که در شور ثانی اصلاح شود حالا شور اول است آقایان هر کدام نظریاتی دارند میفرمایند بعد اصلاح میشود جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. ملک مدنی - کافی نیست

افسر - بنده مخالفم کافی نیست
رئیس - بفرمائید
افسر - در اصل موضوع با کفایت مذاکرات
روحی - در اصل موضوع
رئیس - در کفایت مذاکرات

افسر - راجع بکفایت مذاکرات. این قانون که بر حسب احتیاجات دو سال قبل گذشته است و دومرتبه هم گذشته این مرتبه سوم است که آورده اند اگر می گذاشتند هر کدام مطالعات خودشان را بگویند و اشخاص فنی مثل آقای دکتر امیر اعلم و آقا که الان فرمایشاتی فرمودند عقاید خودشان را بگویند و بادر نظر گرفتن احتیاجات چون زیاد احتیاج به طبیب داریم البته آقایان محترم متخصص فنی در اصل معالجه هستند ولی احتیاجاتی را که ما احساس می کنیم یعنی نداشتن یک طبیب برای پنجاه هزار نفر فرق دارد با معلومات ایشان لهذا اگر می گذاشتند که مذاکره شود محتاج باین نبود که هر روز قانون عوض کنند که از اردیبهشت پارسال تا حالا قانون عوض بکنیم. خوب دو نفر از متخصصین فنی از اطباء فرمودند سه نفر هم میخواهند از مرضی حرف بزنند (خنده نمایندگان)

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست. نوبه خود آقا است بفرمائید آقای افسر
دشتی - مختصر

افسر - این را میخواستید به آقای ملک زاده عرض کنید روز اولی که این قانون گذاشته میشد گمان میکنم آقای امیر اعلم پیشنهاد کنند ایش بودند البته

خیلی میل داشتند تمام طبائی که مشغول معالجه میشوند در ایران از درجه اول علمای طب باشند چنانچه در فرنگستان نظیر آنها پیدا نشود مثل اینکه الان در آلمان ترقی کرده اند و طبای بزرگ دارند ما هم میل داشتیم که در تمام دهاتمان داشته باشیم ولی بعد وقتی که خواستیم این قانون را بگذرانیم عده طبائی که شمرند دیدند بقدر خود طهران آن وقت هم طیب نبود از مد نظر اشخاصی که شمرند که هر چند هزار نفر اشخاص يك طبیب لازم دارد این بود که این فرجه را معین کردند که اگر پنجسال در طهران يك کسی طبابت و معالجه کرده باشد موقتاً بهش اجازه داده میشود که مشغول طبابت باشد و در ولایات را هم ده سال معین کردند حالا این تفاوت چه شد خود شان میدانند حالا دایل این چه بود که این طور شد بنده از خاطر رفته است که ده سال جای دیگر باید مساوی با پنجسال اینجا بشود زیرا اگر بی سواد هم باشد در بی سواد ده سال دو برابر پنج سال است و پنج سال نصف است بالاخره قانون گذشت و بنای جواز اطباء شد البته خیلی بی ترتیبها شد نمیخواهم عرض کنم که هر که جواز گرفت مطابقت کرد با آن مواد قانون چنانکه خیلی از دوا فروشها هم بيك وسائلي بيايك وساطتی آمدند و جواز گرفتند حتی کسیکه شاهد آورده باینکه نطفه حکیم مؤمن یا مخزن ادویه را را خوانده بود یا باز شکی نامه را از متجددین داشت جواز گرفت. شاید عده بی سوادها بیشتر از قبل وارد طبابت شدند ولی بالاخره شدت احتیاج مسبب شد که بیشتر جواز دارند و بعد معلوم شد که در بیست سال همانطوری که فرمودند نمیتوانند يك عده طبائی چه در این جا و چه از آنهایی که از فرنگستان می آیند تهیه بکنند و احتمال دارد از همان مدرسه طب هم سالی شش هفت نفر خارج شوند و آنهایی که از فرنگستان بر میگردند چند تائی بیشتر نشوند در این بین بيك عیب دیگر هم بر خورد در موقع آن قانون و آن این بود که خیلی اشخاص که در آن موقع مشغول طبابت بودند خدمت دولت را مقدم دانستند و رفتند

بوزارت مالیه و وارد ادارات مالیه شدند چنانچه مسبق هستيد و شاید دوست نفر یا صد نفر از آنها هم از دستمان رفتند که همان را هم نتوانستیم جبران کنیم حالا بالاخره حقیقه بنده هم از اشخاص هستم که در اینجا اینکه میگویند وجود ناقص بهتر از عدم صرف است بنده در طب این را قائل نیستم بجهت اینکه وجود ناقص اسباب زحمت مردم است این را اساساً موافق نیستم نه اینکه بخوام تضییق نسبت طبای بکنم ولی شدت احتیاج مردم چنانچه شرحش را آن اظهار فرمودند اگر بنده از خراسان عرض میکنم که دوست ده سیصد قصبه هیچ طبیب ندارد ... یکنفر از نمایندگان - همه جا همینطور است .

افسر - یعنی نه طبیب قدیم دارد و نه جدید یعنی بقدری که شاید يك دوای گنه گنه را هم نشنیده است تا چه برسد که مورد استعمالش را بدانند و این قانونی را که وزارت معارف پیشنهاد کرده است اگر بشود يك طوری بکنند که اینها را محدود بکنند نسبت به چیزهایی که اطلاع دارند بهتر است یعنی نسبت بآن حدودی که جواز گرفته است و این شرط بشود که بشرطی که در حدود معلوماتش که یاد گرفته است تند تر نرود علی ای حال قانونی است که پیشنهاد شده است بمجلس شورای ملی که بيك اشخاصی آن امتحان بدهند تا دوسال دیگر گوش بکنند بنده حالا کار ندارم و مانعی نمی بینم ولی این دوسال را هم کافی نمیدانم ولی نمیخواهم مخالفت بکنم هر گاه بيك کسی امتحان بدهد در موفقی که قبول کردیم که همینقدر که پنج سال بی امتحان طبابت کرده باشد طبابت بکنند حالا باین قانون رسیده ایم که پنج سال یا فلان مدت مشغول طبابت باشد این حق را داشته باشد که بگوئیم بیائید بحرفهای او گوش بدهید اگر طبیب است و طبابت کرده است چه مانعی دارد اگر بلد است جواز میدهم و اگر بلد نبود هیچ از این قسمتی که برای امتحان آمده اند بیست نفرش را آقایان جواز داده اند

شاید چهل نفر بیشترش قبول نشده اند و امروز در آن کمیسیون اشخاص متخصص در امتحان هستند مثل آقای ملک زاده و آقای امیر اعلم و جمعی دیگر و اینها همچو نیست که بی خود و بی ربط يك چیزی بدست مردم بدهند ...

کلای - آقای امیر اعلم میگویند نبودند .
افسر - حالا آقای دکتر ملک زاده فرمودند که بودند پس آقای ملک زاده اشتباه کردند ... (خنده نمایندگان)

دکتر ملک زاده - عرض کردم در کمیسیون بودند افسر - خوب بنده همچو شنیدم آقای ملک زاده فرمودند بودند معلوم میشود یا گوش بنده اشتباه کرده یا آقای ملک زاده (خنده نمایندگان) بالاخره يك اشخاص متخصص در امتحان هستند که اینها هیچوقت معلوم نیست ملاحظه اشخاص را بکنند ولی این را هم فراموش فرمائید که هر کدام از اینها بيك قدری تحصیلات کرده اند چه در طب قدیم و چه در طب جدید و اینها نواقصشان را بهتر میتوانند تا بيکی دو سال دیگر اصلاح کنند تا گمان دیگر و بهتر میتوانند امتحان بدهند تا بيك کسی که تازه شروع به طب بکنند با این طوری که میفرمایند چندین سال لازم است تحصیل بکنند تا بدرجه که آرزو مند هستند برسند . اگر امتحان خوب دادند که جواز میدهند و الا نمی دهند ولی بنده در هر حال دو سال را کم میدانم ولی اگر تا همین میکنند و امید وار هستیم تا دوسال اطباء کافی برای ملکیت تهیه میشود بنده عرضی ندارم . آن قسمتی را هم که میفرمایند اگر اطباء متخصص داشتیم بقدر کافی بنده از اشخاصی بودم که لازم نمیدانم دیگران طبابت بکنند ما چون نداریم بهمان دلیل که مجبور هستیم از دیگران گوش کنیم بيك ارفاق هائی هم باید نسبت بانها بکنیم .

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بل

بعضی دیگر - خیر
یاسائی - خیر کافی نیست

رئیس - فرمائید

یاسائی - عده از آقایان میخواهند صحبت کنند ولی بنده بيك سؤالی میخواستم از آقای مخبر راجع باین لایحه بکنم
روحی - صحیح میفرمائید فرمائید

یاسائی - و ایا این است که در قانون ۲۸ شهریور که قبلاً بتصویب مجلس رسیده است و این ماده اشاره بآن قانون است که مدتش را میخواهیم تمدید بدهیم در آنجا قیدی راجع بمحدودیت اطباء مجاز بود ولی در عمل وزارت معارف بيك سوء تفاهمی در این قانون کرده است و در اجازه نامهها و تصدیقنامهها محدود میکند جواز را بمحل مخصوص در صورتیکه در این قانون همچو چیزی نیست در قانون نوشته شده است در حدود معلوماتشان معلومات مربوط بحدود ولایات نیست اگر بيك طبیبی بناد جواز گرفت در تمام ملک مجاز است اختصاص بيك نقطه دون نقطه ندارد خواستیم بهینم آقای دکتر طاهری که مخبر هستند از نظریه وزارت معارف مسبقند اگر باز هم نظریه وزارت معارف همین است که ما بيك تبصره پیشنهاد میکنیم توضیح بدهیم که دیگر سوء تعبیر نشود و اگر چنانچه خیر اینطور نیست که همین ماده کافی است .

مخبر - همین طور بيك نماینده محترم آقای یاسائی اظهار فرمودند بيك سوء تفاهمی در تنظیم نظامنامه برای وزارت معارف پیش آمده بود و این عبارت را که فقط در حدودی که بانها اجازه داده شده حق طبابت خواهند داشت این حدود را محل فرض کرده بودند در صورتیکه مقصود قانون و مجلس حدود معلومات بود و در اول اجازه نامهها را مقید بمحل کردند بنده مذاکره کردم در این موضوع و حالی کردم که این اشتباه است و متقاعد شدند و حکمی صادر کردند که اجازه نامهها مطابق باشد و بيك ابلاغی دادند بر رؤسای معارف هر محل که

تصدیقاتی را هم که صادر میکنند مطلق باشد و تصدیق نامه هایشان را هر کدام که خواستند بفرستند عوض کنند علت اینکه ما اضافه کردیم در آخر این قانون که نظامنامه این قانون را بانظریه کمیسیون معارف تنظیم کنند برای آموزش بود که در نظامنامه سابق یک دو سه تا اشتباه کرده بودند یکی این بود که بیست تومان مالیات گذاشته بودند برای اینکار که هر کس میخواهد امتحان بدهد باید بیست تومان بدهد یکسال هم از شان گرفتند بعد سال دوم دیدند که غلط است و یک سوء تعبیری شده بود و یک اشتباهاتی در لفظ محل و حدود شده بود از این جهت گفتیم که نظامنامه این قانون باید بتصویب کمیسیون معارف برسد

رئیس - حالا مذاکرات کافی است ؟

زوار - خیر

رئیس - بفرمائید چرا کافی نیست .

زوار - برای این که کسی نگفته است کافی است (خنده نمایندگان) عده از نمایندگان - چرا آقا کافی است زوار - خوب حالا که کافی شد بنده هم عرض میکنم کافی است (خنده نمایندگان)

رئیس - رای میگیریم بمرور در شور دوم آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد .

[۵ - بیانات آقای فیروز آبادی نسبت بختم جلسه

و جواب آقای رئیس]

رئیس - قانون تأمین مدعی به ماده هیجده شور ثانی ...

فیروز آبادی - اجازه میفرمائید بنده یک عرضی داشتم

رئیس - قبل از ورود در ماده ؟

فیروز آبادی - بله

رئیس - بفرمائید .

فیروز آبادی - بنده پیشنهاد کرده ام که جلسه را امشب ختم کنیم بملاحظه اینکه تمام ادارات بواسطه قتل و قدر تعطیل کرده اند و در مجلس هم جلسه قبل مذاکره در این بود که میخواهیم در یک امر مهمی داخل شویم که مملکت اقتصادیاتش درست بشود باین ملاحظه جلسه شود و بحمد الله که امشب از آن هیچ خبری بود و نیست و این مطالب هم این قدر اهمیت ندارد که ما این لایالی را داخل مذاکره بشویم باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم که جلسه را ختم کنیم و در جلسه بعد که بعد از اعیاء میشود شب ۲۴ ۲۵ داخل این مذاکره بشویم

رئیس - عرض کنم اولاً اینکه به اندازه که همه شب

معاذت داریم جلسه را ختم کنیم هنوز جلسه بان اندازه نرسیده است بعلاوه منطبق آقا در این مسئله دلالت دارد که خوب بود هیچ جلسه نمیشد ولی در کوتاه بودن و مفصل بودن جلسه که نظری نداشتند و اگر یکساعت دیرتر بازو در بشود که بامنظور آقا مناسبی ندارد بعلاوه ما در شب اعیاء فراکسیون داشتیم تعطیل کردیم شب های دیگر را هم احترام میکنیم و تقدیس میکنیم و تعطیل میکنیم و بعلاوه خاطر محترم عالی را متذکر میکنم که وزیر عدلیه ما را آگاه کرده است که قریباً لوائح اقتصادین بمجلس می آید و نگران است که لایحه تأمین مدعی به او بماند بنا بر این خوب است آن را بتأخیر نیندازیم و جلسه را دوام بدهیم .

[۶ - بقیه شور ثانی لایحه تأمین مدعی به

از ماده ۱۸]

رئیس - ماده هیجدهم مطرح است قرائت میشود : ماده ۱۸ - ضامنی که بموجب ماده قبل داده میشود ممکن است یک یا چند نفر باشد در صورت تعدد ضامن هر یک از آنها باید صریحاً قید کند که چه مقدار از مدعی به یا محکوم به را ضمانت میکند

رئیس - آقای زوار

بکنفر از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - مخالفی نیست ؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - رای میگیریم بماده هیجدهم آقایان موافقین

قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده نوزدهم قرائت میشود :

ماده ۱۹ - ضمانت اشخاص ذیل قبول نمیشود :

۱ - مستخدمین وزارت عدلیه اعم از قضائی و اداری

۲ - وکلای رسمی عدلیه برای موکلین خود

۳ - اشخاصیکه بموجب قانون اهلیت معامله ندارند

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده معتقدم لوایحی که مطرح

شود حتماً باید وزیر مربوطه اش حاضر باشد که اگر

توضیحی بخواهند جواب بدهد برای اینکه اظهار

تذکره وکیل برای وکیل دیگر چندان مناسبت نیست و حالا

بایست آقا، وزیر عدلیه تشریف داشته باشند که اگر

پیشنهادی بشود توضیح بدهند و قبول بکنند ولی

آقای مخبر قبول کنند مطلب معلوم نیست و همین

ری هم که نمیتوانند قبول کنند و باید وزیر حاضر

بماند ما مطالبی داریم که باید وزیر توضیح بدهد باید حاضر

بماند در مجلس و مکلف بماند خودش را که همیشه در مجلس

حاضر باشد اینکه معنی ندارد . اما اعتراض بنده حالا

آقای وزیر نیستند و آقای مخبر تشریف دارند بایک

متفق به بنده بفرمایند که این ماده در قسمت

سومش که بنده مخالف نیستم ولی راجع بمستخدمین عدلیه و وکلای عدلیه مخالفم البته در قسمت سوم اشخاصی که اهلیت معامله ندارند مانند صغیر سفیه مجنون اینها نمیتوانند ضامن بشوند ولی از چه نظر مستخدمین عدلیه قضائی یا قضایای و وکلای عدلیه که یکقسمت از معتبرترین مردم هستند و شغلشان از حیث اعتبار و جهات اخلاقی حقیقه یک تفوق و رجحانی شاید بر شغل ما داشته باشد برای اینکه اگر رجحان نداشت قضایای عدلیه اگر رجحان نداشت یک آوکلای مدافع نمیشد بنده نمیدانم بچه منطق و فلسفه اینها را از ضامن شدن محروم کرده اند این را توضیح بفرمایند اگر هم بیان کافی و اقناع کننده ندارند که ماده بماند تا آقای وزیر تشریف بیاورند

یاسائی (مخبر کمیسیون عدلیه) - فرمایشات نماینده

محترم راجع باینکه آقای وزیر عدلیه حاضر باشند ...

روحی - تمام وزراء .

یاسائی - شاید بواسطه رفتارهای فوق العاده که

داشته اند در هیئت وزراء (چون جلسایشان متوالی شده

است) نتوانسته اند تشریف بیاورند (روحی - وزیر

معارف کجا بود ؟) و حضرت عالی هم بالاخره اگر

فرمایشی دارید بفرمائید بنده جواب عرض میکنم پیشنهادی

هم اگر دارید بفرمائید اگر پیشنهاد مهمی بود که بنده

صبر می کنم تا خودشان بیایند و اثر پیشنهاد مهمی نبود

که مطلب را حل می کنیم و مجلس شورای ملی قبول یا

رد می کند اینکه چیز مهمی نیست . اما این موضوعی

که فرمودید چرا مستخدمین قضائی و اداری عدلیه را

کمیسیون گفته است بعنوان ضامن نپذیرند مخصوصاً چرا

وکلای عدلیه برای موکلین خودشان نتوانند ضمانت کنند

بنظر بنده دلیلش همراه خودش است اگر یک وکیل ضامن

موکل خودش بشود تصدیق بفرمائید که این یک ضمانت

عجیب و غریبی میشود مثل این است که یک نفر ضامن

خودش بشود بالاخره وکیل نماینده موکل است و تمام اقدامات

را بجای او میکند و بالاخره نمیشود گفت وکیلی که از

طرف موکل خود دفاع می کند که در محکمه عوض او و نمایانگی او هزار گونه طرق دفاعیه را می گیرد و کوشش میکند که از نقطه نظر قانون از موکل خود دفاع کند و نماینده موکل است باید و ضامن او بشود این را نمیشود تصور کرد (صحیح است) دوم اینکه فرمودند مستخدمین قضائی و اداری وزارت عدلیه چرا نتوانند ضامن شوند. این هم بواسطه خصوصیت ها و ارتباطهایی است که نمیتواند آنها را ضامن قرارداد بهمان دلیلی که شما در قانون قید میکنید که قضائی که يك سال یا دو سال در يك محکمه عضویت دارند باید تغییر پیدا کنند که بمحاکم دیگر فرستاده شوند. این برای چیست؟ برای همین است که قاضی در محکمه رعایت خصوصیات و عواطف شخصی را نکند بنا بر این باید قضات محاکم و همچنین مستخدمین اداری وزارت عدلیه که از نقطه نظر اجرائیات و امور اداری و دفتری کار دارند و متداعین بانها مراجعه میکنند از ضامن شدن ممنوع باشند. حتی يك عده عقیده شان این بود که (منتهی از جهاتی ما این را در نظر نگرفتیم) وکلای مجلس شورای ملی نیز نتوانند ضامن بشوند. چرا؟ برای این که مصونیت دارند و با این اصل مصونیتی که نمایندگان مجلس شورای ملی دارند اگر يك نفرشان ضامن شد راستی راستی عدلیه با او چه معامله خواهد کرد؟ پس بهتر این است که وکیل مجلس هم نتواند ضامن بشود چون مخالف شئون مجلس است در هر حال بهتر این است که از این مذاکره صرف نظر بشود و بالاخره این مستثنیات هر کدام يك جهات و دلائلی دارد و بهتر این است که آقا هم موافقت بفرمایند

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده در دو قسمت از مواردی که گفته شد و در ماده هم معین شده اشکالی نیست و البته همانطور که آقای مخبر اظهار کردند قضائی که مستخدمین عدلیه هستند صلاح نیست که مجاز باشند در ضامن شدن

و در کمیسیون عدلیه شده است بعلاوه تصدیق میفرمائید که وزیر هم انصافاً یگانه وزیری است که خیلی ترتیب پارلمانی را خوب میداند که ابدأ ترتیب پارلمانی خودش را تغییر نداده است و کاملاً مراعات حکومت ملی را میکند و در مقابل و پیشگاه وکلاء مجلس شورای ملی خودش را مسئول دانسته است و من از این حیث از ایشان تکرانی ندارم. اما راجع باین ماده که آقای شریعت زاده که یکی از وکلای رسمی عدلیه و شخص مبرز هستند و خیلی مقام بلندی دارند بیاناتی فرمودند اگر دفاع از این قسمت نمی کردند بنده سوء ظن پیدا نمی کردم و همین مسئله دلیل بر این است... و البته در باره شما که شخص عالیمقامی هستید تصدیق بفرمائید که بنده عرضی ندارم و عرض بنده را هم اندر او را که حمل بر معانی نکنید. البته خودتان می دانید که وقتی ما قانون را می نویسیم نظرمان باید بر متحاکمین و متداعین علی السویه باشد یعنی عدالت همان حقی را که بمدعی بدهیم همان حق را هم باید بمدعی علیه بدهیم و در مقام قضاوت آن قضائی که می نشینند برای احقاق حق چنانچه در قضاوت شرعیه است قاضی باید نسبت بطرفین متحاکمین نظر تساوی داشته باشد و ملاحظه عواطف و خصوصیات را نکند اگر جواب سلام بمدعی داد جواب سلام بمدعی علیه راهم بدهد یعنی چه؟ یعنی معنای عدالت و تساوی را در باره طرفین ملاحظه و اعمال کند و هر دو را در یک مرتبه بدانند این است اول قضاوت که ما اتخاذ کردیم کاملاً دنیا هم اتخاذ کرده است که در مقام عدالت و حقوق و در نزد قاضی متحاکمین و متداعین علی السویه باشند و هیچ فرقی نیست در مقام قضاوت مقام مقام زنجیر عدالت است و تمام مساوی اند حالا بعضی ها در خارج عالی مرتبه هستند باشند اما در مقام استفاده حق و در مقام عدالت هم باید علی السویه ملحوظ شوند در این جا هم ما برای خاطر مدعی علیه گفتیم اگر آمد و ضامن داد برای خاطر تأمین مدعی به و رفع توقیف مال عقیده ما کمیسیون این بود که باید الزامی باشد و مدعی قبول

کند یعنی چه؟ یعنی در این جا ما آمده ایم و تسهیلاتی برای مدعی علیه قائل شده ایم که آن مالی را که توقیف شده است بتواند بوسیله ضامن از توقیف درآورد پس ما این جا آمدیم حق را تماماً یعنی خیلی عدالت را نسبت بمدعی علیه قرار دادیم و مدعی را در اینجا در مضیقه قرار دادیم و اگر حالا ما بیائیم در اینجا و بگوئیم که تو که وکیل مدعی علیه هستی هم وکیل مدافع باش هم ضامن این نمیشود و ملاحظه بفرمائید چه قدر نسبت بمعضی تضییق وارد میشود و مقتضی عدالت این است که این جا که ما آمدیم پذیرفتن ضامن را الزامی کردیم بر مدعی دیگر این وکیل و قاضی و مستخدم عدلیه نتوانند ضامن بشوند که لا اقل احقاق حق از دو طرف شده باشد نه اینکه ما در این جا تمام عدالت را نسبت بمدعی علیه قائل شویم طلب کار غلط کرد طلب کار شد؟ ما که این عقیده را نداریم شما هم این عقیده را ندارید طلب کار را که بالاخره آقا نباید نابودش کرد آخر او هم دارای حقوق است برای او هم باید قضاوت بشود اگر ما بیائیم و بوکیل مدعی علیه حق ضمانت بدهیم و کیلی که راههای محاکمه را میداند مخصوصاً جناب عالی که فلاسفه در وکالت هستند (خنده نمایندگان) و هزار جور ترتیبات وکالت و طرق مدافعه را میدانید و مدارک و ادله اقامه می کنید پس هیچوقت این مدعی بدبخت نباید بحق خودش برسد. پس اینجا بهتر این بود که ما ضامن را غیر همان وکیل که در قضیه وکالت کرده است قرار بدهیم نه اینکه هم وکیل مدافع باشد هم نسبت بمال ضمانت کند. و خوب است این اندازه تسهیلات زیاد برای مدعی علیه قائل نشویم و هر دو در نظرمان مساوی باشد خودتان هم تشریف داشتید نظر هم در کمیسیون همین بود و اکثریت اینجور قبول کرد و خوبست حضرتعالی هم همان را قبول بفرمائید.

رئیس - آقای کیا.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در موضوع آن جزء اول آقا روحی که آقای یاسائی جواب را بر سبیل این دادند بنده خیلی میل داشتم در همه جا آقای روحی این مسئله را در نظر داشته باشند که مخصوصاً در عهد نامه ها و لایحه دولت وزراء حاضر باشند نظرشان هست که يك عهد نامه با يك دولت دیگر داشتیم و نماینده دولت در اینجا حاضر نبود و ما رأی ندادیم نا حاضر شود و توضیح بدهد صورتیکه این قانون قانون راجع بانواع داخله است. اعضاء کمیسیون هم کاملاً حاضر هستند و جواب مدعی قانونی است که مجلس وضع میکند و در واقع از کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی طرحش ناشی شده است. مال خود مجلس است و وزیر هم در اینجا نباید دخالت نیست چرا؟ برای خاطر اینکه قانونی است که مجلس میگذارد و طرح و انشاء و ابداعش هم در خود مجلس

کیا نوری - عرض کنم که در قسمت دوم و سوم بنده مخالفتی ندارم یعنی در قسمت وکلاء که بطور کلی وکلا را محروم از ضمانت نکرده‌اند و نوشته‌اند وکلای رسمی عدلیه برای موکلین خود و این را بنده صحیح می‌دانم. در قسمت سوم هم البته اشخاصی که بموجب قانون اهلیت معامله را ندارند حق ضمانت نباید داشته باشند ولی آن قسمت اول را بنده هنوز تصور نکرده‌ام که چطور قاضی و مستخدم اداری عدلیه بتواند ضمانت کند در این جا چند قسمت است یک وقت این است که قاضی خود آن محکمه که حکم داده است ممنوع میشود این جا البته ممکن است برای آن که آن محکمه که خودش حکم را داده است تصور کرد که چون حکم داده حق ضمانت ندارد اما آیا میشود گفت که مطلق قاضی حق ضمانت ندارد؟ این یعنی چه خوب بر فرض که این قاضی هم نتواند ضمانت کند خوب اعضاء اداری عدلیه چرا؟ بنده گمان می‌کنم که قسمت اولش یک اندازه صحیح است و نسبت بآن قاضی که آن حکم را داده او ممکن است ممنوع باشد (آقا سید یعقوب سه نظر ارتباط است) ولی نسبت بعموم قضات و مستخدمین این نظر صحیح نیست و یک اندازه ضیق می‌کنند کار را حالا قسمت دوم را هم می‌فرمائید اساساً قضات نتوانند ضامن شوند پس مستخدمین اداری را قبول کنید و خوب است آقای مخبر این قسمت را اصلاح فرمایند رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - عرض میکنم که ما اگر خودمان را آشنا می‌کردیم بفرسفه این ماده و سبب ایجاد این معنی آنوقت برایمان سهل و آسان می‌شد قبول مان از این که این سه نمره مردم چرا باید محروم باشند یک وقت محرومیت روی اصل سوم این ماده است که مثلاً سفیه یا مجنون حق ندارد ضامن بشود و معامله بکند مجبور شرعی همینطور اگر شما آمدید و آن شق اول دوم را حمل کردید بر شق سوم این ماده آنوقت مورد بحث دارد و میشود صحبت کرد لکن اینطور

نیست نظر قانون گذار ارتباط شق اول و دوم با شق سوم نیست و این نظر را ندارد اولاً ملاحظه بفرمائید راجع بقضات میفرمائید قاضی یا قاضی آن محکمه اینست که رای را داده و قضیه در آنجا مطرح بوده یا غیر آن قاضی است اگر قاضی آن محکمه است که خود در آن هم قبول کردید نمی‌تواند دخالت کند چون دخالت و ضمانت او یک نوع ابراز خصوصیت است با احد متحاکمین یا احد متداعیین چون تا خصوصیت نداشته باشد تا اطمینان بآن آدم نداشته باشد ضامن او نمیشود و بروز این مقدار از اطمینان ایجاد میکند سوء ظنی را در آن طرف دعوی چون وقتی من این مقدار اطمینان داشتم که از دو نفر آدمی که در پیشگاه محکمه حاضر شده‌اند از یک نفرشان ضمانت بکنم البته خیلی اطمینان باو دارم بقلش بقولش بعملش آنوقت آن طرف دیگر محاکمه چطور تسلیم میشود بیک همچو قاضی که قضاوت کند این مال قاضی آن محکمه که دعوی در آنجا مطرح است اما فرضی که کردید قاضی محکمه دیگر که کار در آنجا مطرح نیست. از خود آقایان افسوس میطلبم که صبح که میشود فلان قاضی در فلان محکمه است تا مشغول محاکمه شده فوری میروند گریبان را میچسبند که برود بفلان محکمه و از رفیق خویش ضمانت بکند. اولاً این زبیده شأن قاضی نیست که متصل گریبان او دست رفقایش باشد و متصل در محاکم او را بگرداند که از این و آن ضمانت کند این اولاً نائیباً همه جای ضمانت هم که آقا جان من درست در نمایم و همه جا که درست از آب در نیاید بیک ممکن است آن آدمی که من از او ضمانت کردم آنوقت پول را نداد آنوقت تکلیف چیست؟ آن وقت باید بیایند باز بقیه قاضی را بچسبند و از پشت بفرستند محاکمه او را بر دارند و ببرند بآن محکمه جز این بدهد بنا بر این مقدمه متصل قضات محکمه گریبان در دست سایر محاکم است هر محکمه قاضی یک محکمه

دیگر را کشیده است آورده است محکمه و مال این محکمه در آن محکمه و اثرات ندادن را می‌خواهند بر او بار کنند چون ندادی باید مالت غرماء شود و نوی محاکم عدلیه که انسان وارد میشود عوض ارباب رجوع در این محکمه ها می‌بیند قاضی فلان محکمه را آورده‌اند اینجا و قاضی این محکمه را جای دیگر برده‌اند برای محاکمه و یک هرج و مرجی در کار پیدا میشود که هیچ شکلی بدتر از آن در دنیا دیده نمیشود که از صبح تا شام قضات قضاتی که باید بداد مردم برسند گریبانشان دست مأمور یا ارباب رجوع باشد و از این محکمه بآن محکمه بکشانند اول را بدوم دوم را بچهارم سوم این شأن قاضی نیست بعلاوه اعضاء و اجزاء عدلیه اعم از قاضی و غیر قاضی یا اداری بایستی مصون باشند از این قبیل تعرضات و این قبیل خیالها و کلیه خیالها تولید سوء ظن میکنند و سوء ظن از ارباب قوه قضائیه ملکک چیز خوب و زبیده نیست یک ملتی یک قومی یک امی نسبت بقوه قضائیه خودش باید پاک و طاهر نظر کند و ابدأ خیالی در اطراف آنها نکند که اینکار نشد متصل اعضاء اداری عدلیه بروند و ضامن بشوند این منع از نقطه نظر احترام است نسبت باینها که از نقطه نظر مجبوری است که آقای کیا میفرمایند که ای امان اینها مجبور نیستند خیر نیستند من هم میدانم و از نقطه نظر صیانت و شرافت آنها نیابستی دامانشان آورده شود باین کثافات. کثافت یکی حال من است حال من سوء ظن من کثافت است و باید از این کثافت دامن او پاک باشد پاکیزه باشد و ما باید بقضای آن طوری نظر کنیم مثل نظر کردن بیک آدم مقدس و پاک و طاهری بدون سوء ظن و خیال بد برای اینکه ما نوامیس مان را که عبارت است از خون ما مال ما و ناموس ما این مسئله و سوای این سه مسئله در عالم ماده و در عالم بشریت هیچ چیز موجود نیست و ما این مسئله را تفویض میکنیم بدست این آقا که خون ما را بریزد او را بگیرد و بجای دیگر تحویل بدهد مال مرا

هم ببرد یک همچو آدمی را دیگر نباید هر روز گریبانش را گرفت و داد دست مأمور عدلیه که ببرد حبس کند برای اینکه پول وجه الضمانه را ن داده است این خیال را نباید کرد در باره او با این مقدمه بنده از آقایان تقاضا می‌کنم که در این باب دقت بیشتری بکنند عنایت آخری بفرمایند ولی در هر حال این موضوع موضوعی نیست که ما مخالفت کنیم و خیلی خوب است و خیلی بقاعده است و درست هم است. وکلای مجلس شورای ملی را هم آقای یاسائی با آن مقدماتی که فرمودند و قرار بود ذکر از آنها در ماده بشود و ذکرش هم بجا بود ولی بعد مسکوت ماند بجهانی خوب راستی اگر وکیل مجلس شورای ملی رفت و ضمانت کرد من رفتم ضمانت کردم اصل مصونیت هم شامل حال من است ضمانت کردم ضمانت شخص من را هم که همه تان مسبوقید (خنده نمایندگان) پس فردا میروم ضامن میشوم خوب طرف ندادم می‌آیند سر وقت من من هم که ندارم بدهم کسی هم نمی‌تواند بمن رجوع کند آنوقت که ضمانت کردم و فردایش همین آدم مصون را گریبانش را داده ایم دست یک نفر مأمور که بکشد ببرد حبس کند یا اثرات قانونی را برش بار کند هر چه هست یا پول بدهد یا حبس بشود و حال آنکه طرف هم مصون است پس قانون گذار عاقل باید رعایت این روز بد را هم بکند و این را هم پیش بینی بکند ...

کیا - نکرده است

اورنگ - اگر کرده بود بموقع بود حالا هم که نکرده خودشان در خارج نمی‌کنند و ضامن نمی‌شوند که از اطمینان آقای یاسائی نسبت باخلاق عمومی که فرمودند من انشاء الله رعایت احترام خودمان را و رعایت احترام همکاران خودمان و نوع خودمان که آقایان نمایندگان محترم باشند رعایت خواهیم کرد و ضامن نخواهیم شد (خنده نمایندگان)

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده:

پیشنهاد می‌کنم جمله راجع بمنع وکیل حذف شود

شریعت زاده - اگر چه مقتضی بود راجع به بیان سوء ظنی که آقای آقا سید یعقوب باستناد بیان عقیده از طرف بنده فرمودند توضیحاتی داده شود لکن چون سابقه ایشان معلوم است که غالباً صحت استدلال خودشان را ببعضی از قسمت ها می کنند باین ملاحظه بنده هم صرف نظر می کنم در هر صورت گفته میشود که وکیل چون قائم مقام موکل است ضمانت وکیل مانند ضمانت خود موکل است این استدلال استدلال غلطی است برای اینکه وکیل قائم مقام موکل است در بیان دعوی واقعه دعوی یا دفاع از او و بهیچوجه من الوجوه ضمانت وکیل ضمانت موکل نیست . قسمت دیگر این که گفته میشود که این معنی یعنی قبول ضمانت وکیل مانند این است که قاضی نسبت بیک نفر از طرفین عاطفه بخرج بدهد اینطور نیست وکیل یا هر کس وقتی که معرفی شد بعنوان ضامن باید اعتبارش مسلم باشد و محقق شود نزد طرفین اگر معتبر بود که اشکالی نیست اختلافی نیست ، اگر هم اختلاف و اشکال باشد که محکمه رسیدگی میکند و قرار قبول یا ردش را مطابق موازین قانونی میدهد در هر صورت ضامن باید معتبر باشد و در مورد وکیل هم همینطور است اگر اعتبار وکیل محقق و مسلم شد چه دلیل دارد که نباید ضمانت او را قبول کنند ؟ بعلاوه بنده عرض میکنم آقایانیکه در عمل بوده اند دقت بفرمایند که در مقابل عدلیه ضامن شدن کار مشکلی است و غالباً همان کسانی که طرف دعوی هستند چون وکیل بهتر آشنا است نسبت باصول مربوطه بآن دعوی بعلاوه علاقه دارد بموکل خودش و رفع دعوی اوممکن است خود همان وکیل اوضامن او بشود و اگر معتبر بود هیچ اشکالی ندارد در صورتیکه شاید دیگری ضامن او نشود و اگر وکیل نتواند ضامن او بشود آنوقت باید توقیف شود . این یکی . دیگر اینکه اساساً در دنیا ضمانت قبولش ناشی از اعتبار ضامن است هر کس که اعتبار داشت جز قضات و اشخاصی که اهلیت ندارند

باید از شان قبول کرد آقای آقا سید یعقوب فرمودند که بیک توضیحی است در باره مدعی بنده نفهمیدم این حرف یعنی چه اگر از نقطه نظر تضییق مدعی است که همچو چیزی نه در این قانون است نه در هیچ قانون دیگر . اگر مدعی اعلام کرده است که اعتبار این وکیل را من تصدیق میکنم بر ضمانت این اعتراض ندارم آنوقت چه تضییقی است اگر بد اشکال کرد و محکمه رسمی در نتیجه رسیدگی حکم باعتبارش داده است این وکیل نه وکیل دیگر بنا بر این هیچ استدلالی هیچ منطقی وجود ندارد که بیک فکری که ممکن است در عمل برای اصحاب دعوی مفید باشد در مجلس به آن رأی منفی داده شود . (صحیح است)

مخبر - عرض میشود بنده یک مرتبه دیگر هم عرض کردم که اقدامات وکیل اقدامات خود موکل است (صحیح است) و نمیشود این را تصدیق نکرد خود آدم نمیتواند ضامن خودش بشود . اما اینکه بیک تعریضی به آقای آقا سید یعقوب فرمودید گمان میکنم ایشان نظری نداشتند زیرا که این پیشنهاد جنابعالی بر ضرر خودتان است هر روز موکلی که گریباتان را میگیرند که خودتان بیایید ضامن بشوید و چنانکه گمان میکنم اگر از آقای همراه بپرسند ایشان راضی نیستند که شما بیک همچو مذاکره بکنید و اگر رفتارند از وکلای عدلیه بشود همه مخالفند از اینکه ضامن بکنند و مصلحت هم نیست چرا برای اینکه وکلای رسمی عدلیه وابسته عدلیه هستند و همان نظری را که راجع به قضات فرمودند راجع بوکلای که وابستگی نام و تمامی با محاکم دارند هست . خواهش میکنم که شما هم موافقت بفرمایید و پیشنهادتان را مسترد بدارید که بنده قبول نمیکم رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگری آقای راجع داده اند ولی یک قسمتش را که قابل توجه نشده

حذف کرد .

پیشنهاد آقای روحی :

پیشنهاد میکنم که قسمت اول و دوم از این ماده حذف شود رئیس - راجع به قسمت اول بفرمائید

روحی - عرض کنم همکار محترم من و رفیق دیرینه ام آقای آقا سید یعقوب موقعی بدست آوردند و وزیر خواهی شان بر رفیق طلبی شان رجحان و غلبه پیدا کرد و بیک تعریضی فرمودند که بنده مجبورم دفاع کنم بعد عرض خودم را بکنم . بنده باقای وزیر عدلیه پرخاش نکردم میدانم هر وقت ایشان غیبت از مجلس میکنند به کارهای مهم دیگری اشتغال دارند و واقعا از روی صحت این قسمت پیشرفت امور قضائی مملکت را مرتب بر اقدامات ایشان میدانم این قسمت نبود بنده از آقای وزیر معارف راجع به سالن تشریح ولا برای توار فاکولته طب (مدرسه طب) میخواستم یک سؤالی بکنم و تشریف نداشتند و آن سؤال هم از حیز اطلاع آقای مخبر خارج بود منتهی حضرتعالی هم بیک نمکی پاشیدید به الطاف و عنایات آقای وزیر عدلیه و به من حمله گردید . حالا راجع این قسمت هم عرض کنم حضور محترم تان چون آن قسمت رد شد درش عرض نمیکنم ولی همینقدر عرض می کنم این دلیل نشد وکیل نفس موکل است میدانم یعنی چه خیر دوتا هستند دفاع میکنند و معتبر این مردم امروزه هم وکلای عدلیه اند از هر جهت و اگر ندارند اعتبار هیچوقت نمیکند . اما قسمت اول از این ماده که میگوید مستخدمین عدلیه اعم از قضائی و داری حق ندارند ضمانت کنند باین هم بنده مخالفم سلب اعتبار از بیک دسته کردن معنی ندارد حالا آقای بزرگ قاضی را میفرمایند که در بیک آن هم مشغول نباشد است هم میبردش میگویند بیا ضامن بشو در روزیکه تصور نمیکم همچو چیزی باشد که قاضی را اند در موقع قضاوت کسی از محل خودش تکلیف بدهد چیزی است محال . وقت دیگر را میگویند بیا

ولی آنوقت را نمیگویند . اما مستخدمین قلمی عدلیه و اداری عدلیه ، بنده رئیس دفتر دیوانعالی نمیز هستم چه ضرر دارد که در بدایت بروم از بیک کسی ضامن بشوم نه اصطکاک دارد بدیوان عالی نمیز نه مجلس آنجا است نه سابقه دارد نه تأثیری در قضاوت دارد من بیک عضو دفتری هستم عضو قلمی هستم قاضی هم نیستم و نا مطمئن به اعتبار کسی نباشم از او ضمانت نمیکم بنده اصولاً این عناوین را در مملکت خوب میدانم که ما از بیک دسته سلب اعتبار بکنیم و بیک دسته اعتبار بدهیم خوب حالا آنهایی که سفیند آنهایی که مجبورند آنهایی که نا توانند آنهایی که سنشان سن بلوغ نیست بیک اصلی است ولی این که نمی تواند بیک عضو دفتری بیک وزارت خانه ضامن بشود بنده میدانم از چه نظر بوده است استدلالی هم که در جواب میکردند بنده منطقی درش ندیدم فقط اگر منتفذ است در امر قضائی نمیتواند والا بیک عضو دفتری نمیتواند در امور قضائی مداخله کند من از آقای مخبر خواهش میکنم که موافقت بفرمایند و این قسمت را با این اصلاح قبول کنند که منحصرأ قضات میتوانند ضمانت کنند ولی اعضاء دفتری عدلیه میتوانند و مانعی ندارد و اینقدر نباید سمج شد برای قانون که حتما همان را که کمیسیون رأی داده است قبول کنیم این اصل بد و فکر بدی است و چیزی است که مآرعات کرده ایم و اگر آقای مخبر با این عرض بنده موافقت بکنند هیچ زبانی ندارد .

مخبر - بنده در این خصوص مقتضی میدانم که بیک توضیحات مفصلی داده شود ولی چون آقای روحی اصرار دارند عرض میکنم اینکه فرمودند چرا سلب اعتماد میکنید خیر نمیخواهیم سلب اعتماد از قضات بکنیم ما میخواهیم سوء ظن مردم متوجه قضات نشود (صحیح است) میخواهیم این اعتماد سلب نشود بواسطه حق ضمانت . . . روحی - اداری ها را عرض کردم قضات را موافقم . مخبر - در عدلیه آن منطقی شما ممکن است و در قسمت اداری بنده البته نمیخواستم عرض کنم ولی شما تصدیق

میفرمائید که کاربرد انبیا از نقطه نظر مالی و سایرین را درست کرد
من مدیر دفتر ضمانت نامه خود در دوسیه تحت نظر
خودم قابل اعتماد نیست. رئیس اجرا یا ما مور اجرای
عدلیه مستخدم اداری است و باید بکنند این ضمانت صحیح نیست
بالاخره شما میگوئید مستخدمین وزارت عدلیه با فلان
آدم چه فرقی دارند بنده عرض میکنم فرقههای زیادی
البتّه از این نقطه نظر ندارند بعلاوه آقای روحی توجه
بکنند خصوصیات و عواطف و احساسات را بشر نمیتواند
بکشد بالاخره ما همیشه اینجا اگر هم نظرتان باشد
میگفتیم تنها این نیست که قاضی پول نگیرد رشوه نگیرد
قاضی باید عواطف خودش را حفظ بکند قاضی باید
خصوصیت هم بخرج ندهد قاضی باید روی رفاقت هم
حکم ندهد موجبانش را نباید بموجب قانون فراهم کنیم
مستخدمین اداری هم همینطور است چه فرقی دارد
کلاک هستند بنده و جناب عالی در مجلس از نقطه نظر
یک جهانی یک ارفاقهایی یک رعایتهایی از نقطه نظر
همکاری میکنیم اسمش را هم میگذاریم از نقطه نظر اخلاق
(دستی - برعکس است این قضیه) و جای شبهه نیست
ولی تصدیق میکنید درباره قضات مستخدمین اداری عدلیه
ما مورین اجرای عدلیه هم این قسمت ها هست. اینها را
در محظور نگذاریم بالاخره قانوناً ممنوعشان کنیم تا اینکه هم
متداعین این فکر را نکنند که میشود مستخدم و قاضی عدلیه را
ضامن قرار داد و هم آنها در این محظور نباشند و لابد
اینها را درش مطالعاتی کرده اند این فقره ماده را که مایشهاد
نکرده ایم انشاء و ابداع کمیسیون که نبوده است این قسمت
در قانون سابق هم که ما میخواهیم این قانون فعلی را
جای آن بگذاریم هست و بیست سال است که این
قانون در این مملکت است و مجری است و در سایر
جاها هم همینطور است لابد یک فلسفه داشته است یک
چیز دیگری نیست خواهش می کنم شما هم موافقت
نفرمائید که اینطور نباشد.

روحی - مسترد میکنم.

اجرا کند چطور شده است حکم صد هزار تومانی او را
اجرا میکنید ولی ضمانت پنجاه تومان او را قبول نمیکنید
چیز غریبی است اما راجع بوقلاهی رسمی عدلیه برای موکلین
خود بنده اضافه نمیکم بفرمایشات نمائنده محترم آقای شریعت
زاده زیرا که ایشان دلایل شان شافی و کافی بود ایشان
وکیل بنده هستند فرض بفرمائید بنده اختیار احقاق حق
خودم را بدست ایشان سپرده ام چطور میشود که در یک
معامله صد هزار تومانی وکیل بنده هستند و میتوانند
وکیل بنده بشوند ولی در صورتیکه خودشان راضی باشند
که ضمانت از بنده بکشند چه ضرری میرساند آقای شریعت
زاده از بنده زوار ضمانت میکنند ... گو که این کار
را نخواهد کرد (خنده) و این عبارت را بنده یک چیز زائدی
میدانم پس بنا بر این گمان میکنم که این ماده بکلی حذف بشود
بهر است و در خصوص ضمانت یک خرده دامنه را وسعت
بدهیم آیا برای اینکه حقیقه یک مملکت فقیری است یک مملکتی است
که تاجر که ندارد آدم برای پنجاه تومان صد تومان باید برود
در خانه مهاجر و انصار که برای خودش چیز درست کند
فقط در این قانون این تصدیقاتی که راجع بتأمین مدعی به
شده است تصور میکنم که مخبر محترم موافقت بفرمائید
که این ماده حذف شود تا توسعه پیدا بکند حقیقه وسائل
ضمانت آقا در این مملکت تا این فقره اقتصادی حقیقه کار
محاکماتی سخت خواهد شد

مخبر - عرض کنم آقایان در نظر بیاورند مذاکرانی
که در فرا کمیون و در مجلس بیان میکردیم راجع
بمخیرات کمیسیون عدلیه آقایان میفرمودند که چرا
قوانین به مجلس نمی آمد عدلیه احتیاجات مبرم و زیادی
به قوانین دارد بسیاری از قوانین هست که همینطور
مانده است اگر چنانچه باین ترتیب نخواهد از مجلس
گذرد بالاخره مدهای مدبذ طول میکشد ما الان قانون
جدیدی نمیگذاریم ما الان یک قانون مدعی بهی داریم
در مملکت و فقط چند ماده اش را میخواهیم اصلاح

کنیم و یک کاسه و یکجا کنیم بالاخره نخواهند قوانین
متشمت باشد حالا اینقدر در اطراف آن بحث میشود
و بنده از آقایان خواهش میکنم که مذاکرات را کمتر
بکنند که این قانون تمام بشود و لوایح دیگری به مجلس بیاید.
رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای زوار را قابل توجه
میدانند قیام فرمائید

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد بایستی رأی بگیریم به پیشنهاد
آقای شریعت زاده که تقاضای تجزیه کرده اند اول رأی
میگیریم به ماده با حذف جمله وکلای رسمی عدلیه برای
موکلین خودشان.

(عده از نمایندگان قیام نمودند)

بعضی از نمایندگان - درست ملتفت نشدید

یاسائی - حذف فرمودید؟

رئیس - بل

یکی از نمایندگان - اشتباه شده است.

رئیس - خیر. تقاضای تجزیه کرده اند تکلیف بنده
هم این است که اول رأی بگیریم به حذف آن جمله بعد
رأی بگیریم با افزودن آن جمله (صحیح است). آقایانی
که موافقت با این ماده به حذف جمله وکلای رسمی عدلیه
برای موکلین خودشان قیام فرمائید

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم به خود ماده
موافقین قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۷ - شور و تصویب لایحه تأمین اعضاء

پرسنلی بلدیّه ها]

رئیس - آقای وزیر داخله فرمایشی داشتید؟

وزیر داخله - بنده ناچار شدم که برای یک موضوعی

که یکدفعه هم اینجا مذاکره شده بالاخره یک لایحه تقدیم
کنم و استدعا کنم که در این لایحه اگر ممکن است همین

امشب رأی گرفته شود. مطلبی است که راجع باجزای
دفتري بلديه‌ها که يكوقتی هم اگر نظر تان باشد اینجا مذاکره
شده چون يك نقصی دارد و باید رفع شود استدعا میکنم
همین امشب تصویب شود.

(لايحه را تقدیم مقام ریاست نمودند)

رئیس - قرائت میشود:

ساحت محترم مجلس شورای ملی - چون تبصره ۱ قانون
خرداد ماه ۱۳۰۸ مربوط باعتبارات بلديه‌ها مورد اختلاف
واقع شده و محتاج به تفسیر میباشد وزارت داخله ماده
ذیل را پیشنهاد و تصویب آن را تقاضا مینماید

ماده واحده - مخارج دفتري مندرج در تبصره ۱ قانون
۱۲ خرداد ماه ۱۳۰۸ منحصراً عبارت است از حقوقی
که بر رئیس و معاون و یا متصدی بلديه و منشی و نبات
و ضباط و محاسب و نحو بلددار و رئیس تفتیش و متصدی
پرسنل و ملزومات و انبار دار داده میشود

رئیس - باید از جاع کنیم به کیسیون داخله ...

جمعی از نمایندگان - تقاضای فوریت میکنیم.

بعضی دیگر - خود آقای وزیر تقاضای فوریت میکنند
وزیر داخله - بنی بنده تقاضای فوریت میکنم (دو فوریت)

رئیس - بسیار خوب فوریت اول مطرح است آقای روحی

روحی - عرض کنم که اجازه بفرمائید این يك همچو

کار مهمی نیست و اگر هم یکی دو روز بماند طوری نمیشود
(همه نمایندگان - خیر خیر) عرض کنم يك نواقصی
این لایحه دارد که بنده الان در نظر دارم اگر مطرح بشود
عرض میکنم بعضی قسمت‌ها را حذف کرده اند مثلاً اطباي
بلدی را در نظر نگرفته اند همینطور چیزهای دیگر اینکه
از چیزهای الاهم فالاهمی نیست مرض طاعون شیوع نکرده
که آن باین فوریت میاورند حالا اگر خیلی اصرار دارند يك
فوریت داشته باشد که يك شور بیشتر نشود آقای وزیر داخله هم
مساعدت بفرمائید که با قید يك فوریت باشد (همه - خیر خیر)
که نمایندگان ولایات هم از نظر محلی خودشان يك اعان

عدل - بنده با فوریت این لایحه اینقدرها مخالفتی
ندارم ولی چون خاطرها از جریان این امر مسبوق
نیست استدعا میکنم آقای وزیر داخله یا یکی از آقایان
که اطلاعاتی دارند و اینقدر در فوریت اصرار دارند
يك توضیحات کافی بدهند که مقصود چه چیز است.

چرا از بعضی مستخدمین اسم برده اند و از بعضی اسم
برده اند و الا ما هم موافقت میکنیم و حرفی نداریم

وزیر داخله - عرض کنم که این توصیفی که آقای

عدل فرمودند بعقیده بنده لازم نیست و محتاج نیست
البته چون این موضوع مکرر در مجلس صحبت شده و
توضیحاتی هم باندازه کفایت در این باب داده شده است
منتهی بصورت اینکه لایحه بشود و به مجلس بیاید نشده
بود حالا برای اینکه آن اختلافات بکلی رفع شود بصورت
لایحه در آورده ایم که مجلس شورای ملی موافقت بکند

و توضیح زیادی هم لازم ندارد مطلب عبارت از این است
که اعضای که در قسمت پرسنلی محسوب میشوند کی‌ها
هستند و چون این موضوع محل اختلاف بود ما این را
توضیح دادیم که اعضاء بلديه در قسمت پرسنلی کی‌ها
هستند نبات ضباط منشی یا رئیس نظیف یا معاون
بلديه یا فلان و فلان چند فقره را اینجا توضیح دادیم
که اینجا اشکالی باقی نماند

رئیس - رأی میگیریم به فوریت دوم آقایانی که
موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده واحده مطرح است قرائت میشود:

ماده واحده - مخارج دفتري مندرج در تبصره ۱ قانون ۱۲
خرداد ماه ۱۳۰۸ منحصراً عبارت است از حقوقی که بر رئیس
معاون و یا متصدی بلديه و منشی و نبات و ضباط و محاسب
نحو بلددار و رئیس تفتیش و متصدی پرسنل و ملزومات
انبار دار داده میشود.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - یقین تعجب میفرمائید که مخالفت

من از چه جهت است مخالفت من از این جهت است که
عرض کنم آقای وزیر داخله بلديه یکی از شئون ملت است
کدام بلديه را بنده اجازه بدهم کدام بلديه مطابق قانون تشکیل
شده است من حالا کار ندارم که اکثریت بمن فحش بدهد یا
مخالفت کند بنده میتوانم رأی بدهم بودجه بلديه که مطابق قانون
تشکیل شده باشد در تمام مملکت ما يك جا یا دو جا
بیشتر بلديه قانونی نداریم آنرا هم بقدری فشار آورده اند
که روح ملیت را از آنها گرفته اند چطور بنده بیایم
رأی بدهم برای بلديه که قانونی نیست و حقوقش بکلی
پامال شده است و از بین رفته است و آزاد نکرده اند که مردم
حاضر بشوند و در معاش و ارزاق خودشان نسبت به بلديه
رأی بدهند من از این جهت مخالفم دیگر اینکه در سابق
بماوعده دادید که ما قانونی برای بلديه‌ها به مجلس خواهیم
آورد که مطابق قانون اساسی این حق مردم تامین بشود
و مردم نمایندگان بلدی خود را انتخاب کنند آن قانون
را هم که تیار کردید و حالا هم موقع بودجه آن است و بنده
باید در این موضوع حرف بزنم چون وکیل در موقع
بودجه میتوانم عقاید خودش را تعقیب کنند بنده چطور
میتوانم رأی بدهم به بودجه بلديه که ابداً اهالی آن شهر
یا آن ولایت از آن خبر ندارند این است که بنده جداً
مخالفم و رأی هم نمیدهم.

وزیر داخله - بنده خیلی متاسفم که آقای آقا سید
یعقوب يك موضوع دیگری را داخل در این موضوع
کردند باین بودجه بلديه خودتان در کیسیون رأی دادید
و ماخذ کار ما هم همین بودجه است که شما رأی دادید
ما هم در آن قسمت هائی که محل نظر بود آمدیم و نظر
مجلس را جلب کردیم و حالا لایحه اش را تقدیم کردیم
پس اینجا موضوع قانون بلديه و انتخاب بلديه نیست
که شما اینطور میفرمائید و البته خود وزارت داخله

در صدد این است و قانون آن را هم تهیه میکند و بنظر مجلس میرساند.

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- موافقم

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- موافقم.

رئیس -- مخالفی ندارد؟ (خیر) پیشنهادی از آقای دولتشاهی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دولتشاهی:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته بنده پیشنهاد میکنم که رئیس تنظیم و مهندس هم اضافه شود

رئیس -- آقای دولتشاهی.

محمد علی میرزا دولتشاهی -- تصور میکنم که توضیح زیادی لازم نداشته باشد رئیس تنظیم هم جزو پرسنل بلدیه است حالا که اعضاء پرسنلی بلدیه را قلمداد میکنند و یک بیک مینویسند مهندس و طبیب را هم اضافه بکنند همینطور بعضی جاها که اطبا هستند شاید اگر آنرا هم مقتضی ندانند اضافه بکنند ضرری نداشته باشد وزیر داخله -- اولاً راجع به مهندس که نمیشود

آنرا جزو اینها قرار داد چون برای مهندسین در بودجه بلدیه ما یک صدی دوی قائل شده ایم که مهندسین را از آن محل کسرات کنند بنا بر این ذکر آن اینچنین لزومی ندارد رئیس تنظیم را هم اول ما خودمان در نظر داشتیم ولی بعد دیدیم نمیشود اضافه کرد چون او جزء اعضاء دفتری نیست و غالباً در کوچه و بازار در گردش میکند و یک وظایفی غیر از وظایف دفتری دارد

رئیس -- موافقین با پیشنهاد آقای دولتشاهی قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد رأی میگیریم به ماده واحد آقایانی که تصویب میکند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۹ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس -- پیشنهاد شده است که جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده شب سه شنبه نهم اسفند ماه ساعت هفت و نیم دستور بقیه مذاکرات در لایحه تأمین مدعی به

[مجلس ساعت یازده ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر